

مشکل غرب

چینی که نمی‌شکند!

از نظر اکونومیست، راه‌هایی وجود دارد که چین باید از طریق آنها خود را با شرایط لازم برای ظهور به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی تطبیق دهد.

در ابتدای اکتبر ۲۰۰۹ حزب کمونیست چین با نمایش عظیمی از جنگ‌افزارهای نظامی خود، شصتمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین را جشن گرفت. مردم چین این اتفاق را خوش‌یمن دانسته و بر این اساس، سال ۲۰۱۰ را مبنایی برای یک شروع جدید و این امید که کشورشان به بزرگترین اقتصاد و قدرت پیشتاز جهان تبدیل شود می‌دانند.

چنین دیدگاهی مورد پسند ملی‌گرایان چینی است. طی دو سال گذشته، ناسیونالیسم چین لحن تندتری به خود گرفته است. طرفداران این مکتب در چین معتقدند یک عامل مفقوده در اعتلای این کشور وجود دارد: رکود همزمان غرب، در شرایطی که کاپیتالیسم به فروپاشی نزدیک می‌شود و ناتو در افغانستان مثل یک ببر کاغذی ظاهر شده است.

شکایت رهبران و مقامات چینی این است که برخی خارجی‌ها، به خصوص تکیه‌زندانگان بر ثروت و قدرت در غرب، از قدرت گرفتن چین ناخشنودند و بارها نسبت به مقابله با آن تأکید کرده‌اند. اما نکته این است که خود چینی‌ها برای این که به دنیا ثابت کنند صعود کشورشان باید در همه جا مورد احترام باشد، کار زیادی انجام نداده‌اند. البته شاید برگزاری نمایشگاه جهانی بزرگ شانگهای در سال ۲۰۱۰ قدم بزرگی در این راه باشد.

در سال ۲۰۰۵ گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا، ظهور قدرت چین را در ابتدای قرن ۲۱ همگام با هند و مشابه با پیشرفت آلمان در قرن ۱۹ و آمریکا در قرن ۲۰ دانسته بود. اکنون به نظر می‌رسد چین و هند در این اظهار نظر دست کم گرفته شده باشند، چرا که هر دو پُرجمعیت‌ترین کشورهای جهان هستند. ورود نیروی کار

چینی به بازار جهانی در طول یک نسل، اقتصاد جهان را دگرگون کرده است و تقاضای رو به رشد مصرف‌کنندگان آن کشور برای منابع جهانی، یکی از بزرگترین عوامل تعیین‌کننده منابع کره زمین در آینده خواهد بود.

افسون قدرت نرم

رهبران چین به جای این که رفتاری نرم و حاکی از

اطمینان‌بخشی داشته باشند، کشورشان را تدافعی و خشن نشان می‌دهند. از نظر غربی‌ها چهار حوزه وجود دارد که سران چین بهتر است در آن حالتی نرم‌تر به خود بگیرند. یکی از این حوزه‌ها دیپلماسی اقتصادی است. دولت چین که اقدام خود را برای اعمال محرک مالی بزرگ موفق ارزیابی می‌کند و آن را در پایدار نگه داشتن رشد اقتصادی مؤثر می‌داند، به این نتیجه رسیده است که نجات کامل کشور از بحران اقتصادی، به تقاضا از سوی غرب وابسته است. اما از نظر غرب، چین مذاکرات اقتصادی را بیشتر برای رقابت پیش برده تا همکاری.

نکته دیگری که چین باید آن را بپذیرد این است که نرمشی که این کشور برای استانداردهای مختلف سیاسی و فرهنگی انتظار دارد، باید متقابل باشد. اعتراض چینی‌ها به دولت‌های غربی به دلیل چاپ تصاویر هولناک در روزنامه‌ها در مورد چین و معترضینی است که پرچم استقلال تبت را به دست دارند. سومین حوزه آن است که ارتش چین باید جهان را متقاعد کند که هدف از نمایش قدرتی که در ماه اکتبر به رخ همگان کشیده شد، تهدید یا ارباب نبوده است.

در نهایت، چین کم‌کم باید به این نتیجه برسد که کمک به مبارزه با تغییرات آب و هوایی به نفع این کشور است. شمال چین که جمعیت بیشماری دارد و با کمبود آب مواجه است، در این زمینه پیشتاز است. اما هنوز به نظر می‌رسد که این کشور نمی‌خواهد خود را تسلیم قوانین جهانی کند. در واقع باید گفت که چین هر دو را با هم می‌خواهد: هم این که همراه آمریکا به یک قدرت جهانی تبدیل شود و هم این که از زیر بار هزینه‌هایی که چنین نقشی به همراه دارد، شانه خالی کند. ■

چشم‌انداز ۲۰۱۰ خاورمیانه و شمال آفریقا

کشور	رشد اقتصادی (درصد)	محصول ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	تورم (درصد)	جمعیت (میلیون نفر)	محصول سرانه (دلار)
ایران	۲/۹	۴۱۵	۲۱/۳۵	۷۵/۱	۵,۵۳۰
عراق	۶/۲	۹۱	۶/۱	۳۱/۳	۲,۹۱۰
لبنان	۳/۳	۳۲	۳/۹	۳/۴	۷,۴۸۰
امارات	۴/۱	۲۶۹	۴/۲	۵/۶	۴۸,۲۸۰
رژیم صهیونیستی	۲/۳	۱۹۹	۲/۹	۷/۶	۲۶,۳۰۰
عربستان	۳/۳	۴۷۲	۴/۰	۲۶/۲	۱۸,۰۲۰
اردن	۳/۰	۲۳	۵/۸	۶/۴	۳,۵۹۰

استخراج: «اقتصاد ایران» از اکونومیست

سه سناریو از رشد اقتصادی روسیه

مثلث روسیه

وزارت توسعه

اقتصادی روسیه در اواخر سال ۲۰۰۹ به منظور پیش‌بینی اقتصادی

۲۰۱۰ سه سناریو را برای رشد اقتصادی این کشور مطرح کرد. بر مبنای



سناریوهای مذکور، اگر قیمت نفت همچنان بالاتر از بشکه‌ای ۵۸ دلار در برآورد بودجه ۲۰۱۰ باقی بماند، در بدبینانه‌ترین وضعیت، رشد اقتصادی روسیه ۱/۳ درصد، رشد اقتصادی پایه (حداقل) ۳/۱ درصد و رشد مناسب ۳/۵ درصد خواهد بود. طبق سناریوی اول، قیمت نفت خام اورال روسیه بین ۵۸ تا ۶۰ دلار ارزیابی شده و سناریوی دوم نفت بشکه‌ای ۶۵ دلار را در سال ۲۰۱۰ مینا قرار داده است. بر اساس این سناریو طی دو سال آینده، قیمت نفت به ۷۰ تا ۷۱ دلار افزایش یافته و رشد محصول ناخالص داخلی (GDP) ۱۱/۱ درصد طی سه سال برای روسیه پیش‌بینی می‌شود.

سناریوی سوم، قیمت نفت را در سال ۲۰۱۰ معادل ۶۹ دلار، در سال ۲۰۱۱ معادل ۷۴ دلار و در سال ۲۰۱۲ معادل ۸۱ دلار برآورد می‌کند که در این صورت GDP روسیه به میزان پیش از آغاز بحران در این کشور (سال ۲۰۰۸) بازخواهد گشت. همچنین طبق اسناد منتشر شده بودجه دولت، افزایش هزینه‌های اجتماعی حدود ۹۷ میلیارد دلار به کسری بودجه سال ۲۰۱۰ افزوده است.

آفت و خیز ۲۰۱۰ روسیه

شاخص	میانگین	میانه	کمینه-بیشینه
رشد اقتصادی	۳/۳	۳/۳	۱- تا ۷
تورم	۸/۳	۸/۵	۵/۵ تا ۱۱
تولید صنعتی	۴/۱	۴/۷	۳- تا ۸/۲
دستمزد اسمی	۸/۵	۹/۳	۱/۲ تا ۱۶/۶
رشد درآمد خانوار	۳/۴	۳/۱	۱ تا ۸/۴
صادرات	۳۵۸	۳۵۳	۲۹۰ تا ۴۱۳
واردات	۲۳۰	۲۲۶	۱۸۴ تا ۲۷۰
FDI*	۳۹	۴۵/۵	۶ تا ۷۰
قیمت دلار (پایان ۲۰۱۰)	۲۸/۴	۲۸/۵	۲۶/۲ تا ۳۳
بیکاری	۷/۷	۷/۶	۷ تا ۹

* سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

استخراج: «اقتصاد ایران» از Moscow Times